

گندنا

«رباعی»

گندنا

من سَقَه‌ی کاهو پَرَکَم، تُو گَندِ نُوی

من، تَر تیز کَم، تو - تَر بیزه‌ی - لَبِ سیوی

رُو دار - شُود - هر آشی هَسی کا کوجون

غم کنج دلمُ تِنجِه زده، پس تو کُوجوی:

تهران - ۱۵ بهمن ۱۳۴۵

www.KetabFarsi.com

ک... ره

«رباعی»

ک... ره

عمر من، پایه‌ش از غم عشقت لقیه
 بی‌کاهو بودم، شدم فقط بی‌سقیه
 ک... ره‌ی - دل من از غم تو کشته شده

چندراش شده سیه‌من - خودش بی‌وقه!

تهران - ۱۰ بهمن ۱۳۲۵

www.KetabFarsi.com

۱۳

رکھو !

دیدي آخِر دل من ميون مردم آبدو شد
دیدي ئی - نوتوم شد ا - هرچی میخواستن هموشد
دیدي هی مُرُو زدن، مُرُو زدن، مُرُو زدن
تا دلم - بَسِه زبون - میون مردم آبدو شد

هر چی گفتم به دلتم خودتیه ایطو تنک نکن
 ئی - اُلل - هی - اُللک - شد، پایبج دختر و شد
 دختر و، جیگری بشه تو دس من لجماره بود
 کی - دوی دوویکش داد - که ایطو ایر و اوروشد؛
 گفت اگر میخوی بری - رات ۲۴ تو - هری
 او که هی - کُرنج کُرنج - غم میخورد، چه پر روشد
 بوگو آزار داری، کم پیچ داری، نذار بگمیت
 چه تنک! سی - تو توهی - قاطی دوپیازه ی آلود
 هجرانگشت پیچ او - از به - منو می چرزونه
 ئی تن لب و لبابم دیگه از غم - ریچو - شد
 منو آل کرده و رفته باز - فتح اللوقر - شده
 دل من - ئی دولو بیگیر - دس فتح اللوقر، روشد
 دل من؛ با دول پوسیده ی آدما تو چاه نرو
 دول که سالم نمیاد همیشه، گاسم وارو شد
 مٹ - گربه نوروزی - بی روزی پوی باغ سینهم
 شملیزوی عشقمو خورد و دس آخر - اوزو - شد
 غنچه ی عشق سمندر دیگه پرپر شده، بوی!
 چی چی بوی، گلدون شب بوش سر بی شب بی بوشد!
 تهران - ۱۱ بهمن ۱۳۴۵

۱۴

زُرو!

«ترانه»

نِگُویِ گرْمِیتِ منو - بیِ هُو - اَلوُ زِد
نَمیدونی چِکَّارِ کَرْد و چِطُوُ زِد!
واسِهی رُو آتِیشِ دِلِ آبِ میخواسَم
کِه چاهِ اشکمو عِشقتِ نِرو زِد!

تهران - ۱۴ بهمن ۲۵۳۵

www.KetabFarsi.com

بوی!

«ترانه»

دل من، دلبروی آیک یک داری، بوی!
 ببری غم، آستو و بشتاک داری، بوی
 چقد - دور و ور - آتیش می بلکی
 بیشین، انگار تو - ونج و نجت داری - بوی!
 تهران - ۱۵ اردیبهشت ۱۳۴۶

کورس شهری

«ترانه»

عروس من، چرو دایم تو قهری
 گهنو جازی نداده، فکر مهتری
 ماشینوی شرکتی - پرپوی - ندارن
 میریم ماهِ عسل، با - کورس شهری -!

تهران - ۴۴ اردیبهشت ۲۵۳۶

www.KetabFarsi.com

سِدِّك

در این غزل سعی شده است اصطلاحات
مربوط به درس و مشق و مدرسه و
نوشت افزار به کار روده.

سِدِّك

از بسکی غمیت نقطه سر دلمُ گُذُوشْتِه
رُبِّي کاغذِ دلمُ شده کاغذِ پُشتِه
ترخشك كنو آوردار كد خدا از روزِ اوّل
اسم دفتر ذُرْتِي مارو - دل - گُذُوشْتِه

باز کلاس عشق تو کشید به - زنگِ راحت -
 باز از - گت - اول، دو ردیف کوجه، سه پشته
 ناخونم بَرَت - تی قلمه - دلّم دواتیه
 جوهرِ سوسنیم خونیه ورگم قلمِ دُرشته
 تو، مرکبِ صمغِ دلت، پُرپُر - پُرزه -
 او که گفته سیانیس دل تو، چه خِشتی مُشته
 اسم خوبی داشت ... مرکبِ پَرطاووسی بود
 دمِ مدرسه‌ی خان میدونم خوباشو دُوشته
 خطاطِ تو - نُمَره‌یک - بودِ مِداد کاپ شد
 ئی مِدادوم کاکو جَلبه، دشمنِ مُشته!
 مَبصر میدونه آی روزِ امتحان برسه
 - پُوی تابلو - عشق تو میشم مِثِ گِچِ کُشته
 درسِ عشقتو، نخوندی شب به شب سمندر
 حالو سِدک زدن مشق و جریمه‌ت منو کشته!
 تهران - ۴۶ اردیبهشت ۲۵۴۶

شیراز کا نوجات سبزہ

سبزہ، وَالْوُ جات سبزہ
 رفتی و حالُو جات سبزہ
 همو بالُو بالُو جات سبزہ

شیراز کا کو جات سبزہ

یار خوشگلمُ هَتّی
 ترگُل و رگلمُ هَتّی
 خیلی اینجو جات سبزہ

شیراز کا کو جات سبزہ

زرد آلورسونك می خونند
مثلِ واسونك می خونند
میگه حیف که تو جات سبزه

شیراز کاگو جات سبزه

سبزه ی چگرك، سی کو
غنچیدی گبرك، سی کو
آخه نمچرو جات سبزه

شیراز کاگو جات سبزه

دل من هونونوی کرده
ندیدیش چه کا زوی کرده
میگت یو جات سبزه

شیراز کاگو جات سبزه

قلبم پُر و پوک می زند
نبضم تک و توك می زند
ندیدم تورو جات سبزه

شیراز کاگو جات سبزه

مردم لغزك می خونن
غم سمندرو می دونن
شهر نیستی و جات سبزه

شیراز کاگو جات سبزه

تهران - جمعه ۴۱ مرداد ۲۵۳۶

۱۹

دلم هوا تو کرده بود

شبی که هوا گرفتد بود
غم تو دلم نشید بود
بدم نبود، بدم نبود

دلم هوا تو کرده بود

هوا، هَوُوی بهاری بود
فرشِ چمن و واری بود
نمِ بارون زده بود

دلَم هوا تو کرده بود

دلَم ریپس چن چنَد کِرد
به تو که رسید من منِه کِرد
عشق تو راشو بَسَد بود

دلَم هوا تو کرده بود

غم که اومد، غمچی زدم
همچی زدم، همچی زدم
که دوسِ جنگم شده بود

دلَم هوا تو کرده بود

میخوام یواشتر بگمت
مثل سمندر بگمت
شبی که هوا گرفته بود

دلَم هوا تو کرده بود

تهران - جمعه ۲۱ مرداد ۲۵۳۶

۲۰

حُولى حَمّالى

كارِ ما دُوْتُو، مِثالِ حُولى حَمّالى شُدِه
هَنُو رُوْبِرُو نَشْدِيْم زِيْر پامون خالى شُدِه
آز پِدِه ي رِيَس تُوْزَنْدِگى - بِالُوُوِپُوِيِن - مِيْرِيْم
كارِ ما دُوْتُو مِثالِ حُولى حَمّالى شُدِه

عشق ایجر فارو حالیش نیس، چیش و چارش کوره
میگش، بعد می بینی خون تو ماسمالی شده
بسکه هی - گله بد گله - لگه شده دامن عشق
- دامن سلسله دارش - دیگه خالخالی شده
دل من، جات کمید، پی خردیه پوشو همچی پوشو!
ئی روزا عشق و محبت دیگه مثقالی شده
ئی روزا، تو دوسیا، دو روغ و دلنگ فراوونده
سال به سال حسرت ما، رفیق یارسالی شده
دیدى از آتیش غم سوختى سمندر، اوفى
مُرِ چنگِت، همیعلو بوسوز بوسوز، عالی شده
تهران - اول مهر ۲۵۴۶

بویت!

با پوی پتی تنگیدی رو گم، گمه پو کوندی
 حالو گمه پو کوندی بدرک، دلمه شو کوندی
 اقد میخواست که هیشکه سولش نمیرسته
 من عاشقتم، بدشاجراغ تو پامه سوروندی

خوب دل دادی و - دِلْبَالُو - افتادی، اِهَنِّي
 يِي قَلْبِيهِي سَنگِي وَجِ دِل بَهْمَا چَا كُونْدِي!
 ريزه ريزه دل بردی، - بي ريز - كُشتِي و رفتی
 - بي ريز - هَمِيَطُو بُو * رفتنت چشْمِه خوسوندي
 - قنتر شور بُو - تورو نه تو خط - بازی می کردیم
 وختی دیدی باختی، اومدی دِلْمِه - تورو ندي!
 ايدل باکسی نيس، ميگن رقيب ما - بُولِيْتِه -
 هِي لوگِه نده، لُونِدِه نده، چَقْد مي لوندی؟
 از آتیش عشق تو سمندر تو عتابن
 هِي - مَنوِي نكن - خودت مَنو ايطو سوزوندي
 تهران - دوم مهرماه ۲۵۳۶

همبار همبار

«رباعی»

من دوست میدارم، کاکو چن بار بگمت
 مردم میگنت، من دیگه نیذار بگمت
 آی چیا بشه، چپری میمیرم وچ تو
 یی بار دیگم، همبار همبار بگمت!

تهران - ۸ مهر ۲۵۳۶

www.KetabFarsi.com

آبِ شُرْشُرِی

«رباعی»

از - روزِ روزویش - دلمُ مَثِ تَرْتَرِی بود
 هِی پاش می شُرید، باز لبِ کوهِ سُرْسُرِی بود
 تو، پُشتِ - پوزِی سُنْقُرِی - قَهَقَه میزدی
 من، شُرْشُرِ اشکم، دَمِ - آبِ شُرْشُرِی - بود!

تهران - ۱۵ مهر ۲۵۳۶

www.KetabFarsi.com

گوشتِ گوہ

«رباعی»

چرو دلی کہ بہت دادم ایجوریش می کنی؟
 کنبہش می کنی، چغور پغوریش می کنی؟
 ئی - گوشتِ گوہن - پیو نسوزہ رو آتیش
 ہی نمک ترن، چرو بہ ئی شوریش می کنی؟

تہران - ۱۵ مہر ۲۵۳۶

www.KetabFarsi.com

۲۵

سفره شیراز

«در این مثنوی سعی شده است اسامی خوراکیها و آلات خوان شیراز آورده شود.»

کاشکی دلت پی شبی پیر کُنه
- سر نَزده - یاد سمندر کنه
میگن گمین نیسی، ولی من بازم
سفره‌ی شیراز و بَرَت میندازم
اِشکِنه رُبّی، دوپیازه‌ی آلو
کوفته هولو، خورشِ بادِنجون، کودو

شکر بلو - ایور - شیش انداز - اوور -
 یخنی اوورتر، نون شیراز اوور
 نون پادرازی، نون سنگک، شونهی
 بازاری و هراتی و دون دونهی
 نون گماج، نون تنک، نون گتک
 ترخونی و ترتیزک و شلیزک
 ایور - ترخلو - اوورش رنگینک
 زلیبی - نیمه - بخورک پی چارک
 تلف ایور - نیوقد - قسبک اوور
 خرک ایورتر، حاجی قوتک اوور
 کلہ پاچہ ایور، اوور پاچہ پلو
 چغور پغور یا - توتوہی - همو جلو
 ماس و بالنگ پیور و پیور - پلو -
 کلم پلو، ترگیسی، قمبر پلو
 شامی نخود میون لب تخت اوور
 ترشی جاشیر کنار مدبخت اوور
 گوشت گوہی خوب تو - گماجدون - جدا
 کباب کنجش دم یخدون جدا
 خیارزہ و گمبیزہ و تربیزہ
 تربیزہ شم گندہ تر از گمبیزہ
 انگور لرکش، بنید، قیسی، مویز
 یلف گرفتہ، تر وتازہ، تمیز